

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۹ سپتمبر ۲۰۱۵

مجلس شصت و دوم (در توحید)

قسمت چهاردهم

شیخ عبدالقادر گیلانی (رحمة الله علیه) در ادامه فرمودند:

قلب از مردم گسیخه در کمال انقیاد تحت امر و فرمان خداوند قرار میگیرد. از خلق بگسل و بخدا بخویش ببیوندد، و بدان که هرگاه خداوند رایاد کردی، محبی، و هروقت عنایت او را نسبت بخویش احساس نمودی، محبوبی. هروقت بازبان ذاکر بودی، تائبی، و هرگاه باسر و باطن به ذکر خداوند پرداختی، عارفی.

ترا توصیه میکنم تا کمال اخلاق خود را از رذایل پاک نکرده ای از مصاحبت صالحین خودداری کن، (خویش را از جرگه آنان ننمای). تا وقتی که لقمه ای یا خرقة ای دگرگونت میکند، فساد بر صلاحیت غالب است. پس باید تمام خودخواهی ها را از خود دور کنی، تا شایستگی همنشینی صلحا را احراز نمایی.

ای بندگان خدا بسوی زندگانی جاودانی بشتابید، بشتابید بسوی چشمه ای که هرگز آب آن فروکش نمی کند، به درگاهی روی آورید، که هرگز بسته نمی شود، در سایه ای قرار گیرید که هیچگاه زوال نمی پذیرد.

او امر خدای عزوجل بر تودین است، در دادای آن بکوش، هرگاه برخواستن خدای بگری را برگزیده و ترجیح دهی، ظلم کرده ای، و اگر خواست و اراده خداوند را رد نمایی، دچار کفر شده ای. از دنیا باندازه رفع نیاز استفاده نما، و استکثار و افزون طلبی و به لهو و لعب سرگرم شدن را ترک گوی. هروقت اسلامت تحقق یافت، خود را بخدا تسلیم خواهی نمود، و موجودیت خود را در قدرت او قرار خواهی داد.

ظاهر و باطنت را با لباس تقوی بپارای، تا عنایت حق تمامی صفات ناپسند را بمیراند، و به خصال ستوده زنده ات گرداند، مومن بیدار خلق مرده است و بیاد حق زنده، دیدار خلق رذلت و خواری میداند (زمانی که رابطه از حالت متعارف و مطلوب خود خارج شده و برای ایشان به انحاء مختلف جنبه الوهیت قائل شود). و یاد حق را رفعت مقام. راهنمایان و مرشدین مریدان راستین و صادق هرگاه مریدی را ببیند او را به محو نفس دنیا امر میکنند. هرگاه قلب موفق به احراز چنین مرتبه ای شد، (تنها هدفش) رسیدن به مطلوب است و محبوب، بگاہ دست یابی به کمال این مرحله، ابتداء باید حلا مشترک را ترک نمود، سپس ترک مباح کرد، و تنها به حلال مطلق که عبارت است از: اجماع حکم و علم و اتفاق ظاهر و باطن، اکتفا نمود، بصورتیکه وقتی سالک دیده باطن را میگذراند در اطراف خود ارواح انبیا را مشاهده کند، که وی را بر تناول دستور میدهند.

برپای خیز و از بیم و امید بخلق، از قدح و مدح آنان، و از ظاهر و باطنشان دوری گزین، دست حاجت بسوی خدا بر، تاغنی و توانگری حقیقی رایبایی، جویای محمو بعد از اثبات، عدم پس از وجود، قرب بدنبال بعد، صفای پس از کدورت، وصل بعد از قطع، لقای بعد از فقد، صحت قلب بدون حضور زبان، درستی باطن بی وجود قلب، و بالاخره صحت باطن بدون وجود باش، «مُنَالِكُ الْوَلَايَةِ الْحَقِّ» - (إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ).

ای بلهوس، اسباب و ارباب دنیوی را از خود بران، تاواصل شوی، و آنچه را که کترک گفته ای، آنها به پیشواز تو آیند. هرطعامی برطبق اخلاص حاضر است. طبیب معنوی درخانه دل، و محبوب در خانه قرب است. مردی برپای خاست و مساله ای را پرسید، شیخ (رضی الله تعالی عنه) جواب داد، خودداری کن، می بینم سوال تواز هوای نفس سرچشمه گرفته است، مرامیازمای، من شمشیر حقیقت را در دست دارم، «وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ» - (خداوند شمارا از خود برحذر میدارد. سوره آل عمران آیه ۲۸).

اما توای عامی، خدای از عذاب خویش برحذر میدارد، و ترای خاص، از نفس خود برحذر میکند، وای خاص الخاص، ترا از تقلیبات و دگرگونیهای که در علم خودداری، هشدار میدهد، ترا ای عامی هشدار میدهد، تا به چشم و گوش ظاهر بینت اعتماد نکرده و به توان و دارائیت دلخوش ننمائی، و متوجه سرای آخرت باشی، و خاص و خاص الخاص را برحذر میدارد، تا مبادا دچار غفلت گردند، و اینها همه درجهت کمال یافتن قلب است زیرا هر وقت قلب کمال یابد، آنچه در میان آسمان و زمین است نمیتواند اورا گزندی رساند. و این مقامی است که به صرف آرزو ممکن نمی گردد، بلکه به شایستگی و اهلیت و زهد و تقوی میسر میشود.

مریدی به نزد حکیمی آمد و در پیش رویش نشست و گفت: من درجنت بقعه ای را آرزو دارم، و دیگر چیزی نمی خواهم. حکیم اورا گفت: ای کاش در دنیا نیز همچین قناعت میکردی، (زیرا قناعت در دنیا موجب حصول تمنا اخروی میشود). مرگ حق است، پس در حال بمیر. میدانی که میت رانشست و بر اخواست، عطا و بخشش، امید ورجا، دوستی و دشمنی نیست، پس تونیز در جلب منفعت و دفع ضرر بمانند میت باش، و از خلق و اتکاء به آن بمیر، و در گفتار و رفتار صادق باش، چون از مرده انتظار کذب وریا نمی رود.

وای بر تو! از من دنی رامی طلبی؟ میان من و دنیا فاصله از مشرق تا مغرب است، من نصیب خود را بادست توحید میگیرم، تو باید از من آخرت را طلب نمائی، و خواهی تا جهت رسیدن به قرب حق راهنمائی نمایم. (ای مسلمانان!) بدانید که دیوارهای دین محمد (صلی الله علیه وسلم) و پایه و بنیان آن فرو ریخته است، ای جامعه مسلمین، بشتابید تا آنرا تجدید بنا کنیم.

بارخدا! ما را از خواب غفلت بیدار نما، برای همدیگر سودمند مان گردان، ما را بخود آرتانفسه ایمان پاک گردد، آمین. از شریط و اعظ یکی اینست که خود مومن باشد، زیرا شایسته نیست کسی که خود بنده خلق است دیگری را بخالق بخواند، مگر اینکه اول خود به حق رسیده باشد.

وای بر آنکه به خود، خدا و رسول خیانت میکند، دیگران را به نیکی امر میکند ولی خود از عمل نیک بدور است، از عمل بدنهی میکند، ولی خود بدان می پردازد، میگوید و عمل نمیکند، پارسائی به لباس ظاهر و روی زرد نیست، صفای باطن و اخلاص رامی طلبد. دوستان خدا را هر کدام در دل شهنه و پاسبانی است که همواره با آرزوهای نفس در جنگند. پیغمبر اکرم (صلی الله وسلم) فرموده است: «رَأَيْتَ أَقْوَمًا تُقْرَضُ شِفَاهُمْ بِالْمَقَارِيضِ، فَقُلْتَ مَنْ هُوَ لَاءٍ؟ قَالَ عُلَمَاءُ أُمَّتِكَ» - (گروهی را دیدم که لبهایشان را با قیچی قطع میکردند، پرسیدم آنان چه کسانی هستند؟ گفتند علمای امت تو!)

خدای تبارک و تعالی به برخی از پیغمبران خطاب میفرمود: مواظب باشید شمارا غزه و فریفتگی فرانگیرد، یعقوب (علیه السلام) در آغاز امر بر یوسف بسیار میگریست، اما بعد بخود آمد، و برای خود گریه میکرد، از عصمت پیغمبری خود خوف داشت.

اما شما تنها به گوشه‌های ظاهری توجه میکنید، و به گوشه‌ها اندرونی که باید شنوای اسرار حق باشند کمتر اعتنا مینمائید. ای فرومایگان، ای هیزمهایی که جز برای سوختن مصرف دیگری ندارید، آگاه باشید که خداوند عزوجل فرموده است: «**أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ**»، من شبان و محافظ شمایم، و این مقام رازمانی کسب نمودم که باشمشیر توحید تمام علائق (دنوی) راقطع نمودم. بدانید که حمد و ذم و اقبال و ادبار شما در نزد من یکسان است، چه بسیار کسانی که مرا خدمت کرده و بمدح پرداخته اند، ولی من همه را از خدمتدانم (نه از مخلوق) هر خدمتی را که برای شما انجام دهم صرفاً برای رضای خداست، اگر امکان میداشت باهریک از شما بدون قبری می آمدم، تاجواب فرشتگان مأمور را بدهم، تا این حد به سعادت شما برادران مومن علاقه مندم.

خداوند به هر بنده ای نظر عنایت داشته باشد، عشق خود را در دل او جاگزین میکند. با کسانی که به دنیای دون شادند، منشین، بلکه آنرا همنشین باش که غم آخرت دارد، بآنکه می خندد، بلکه بآنکه مگیرید تونیز بگری، با بلند همتان روزگار سرکن، نیازمند یهای خود را از درگاه حق بطلب، به آستانه قرب تکیه زن ک، از صدقات را دریافت میفرمود و در بین فقر و مساکین تقسیم مینمود، سپس به خانه بر میگشت، ممرانش باو میگفتند: «**هَلْ فَتَحَ شَيْئًا؟ فَإِذَا قِيلَ لَا يَقُولُونَ إِنِّي إِذَا صَائِمٌ**»- (آیا درباره مانیز گشایشی حاصل شد؟ چیزی به ما رسیده؟ هرگاه گفته میشدند، آنان میگفتند ماهنوز روزه ایم) نیت روزه را با شکر حق تجدید میکردند، و هیچگاه از کمبود اظهار شکوه و شکایت نمیکردند.

مردی در مجلس شیخ (رضی الله عنه) صیحه ای زد و گفت: «**اللَّهُ**» شیخ گفت: بزودی از این شخص پرسیده میشود که آیا این کلمه «**اللَّهُ**» را از روی نیت درست بر زبان آورد، یا از روی نفاق وریا؟

امروز روزی است که در برابر پتک گران آزمایش قرار داریم، هر که راتاب تحمل است بنشیند، و آنکه راتوان نیتس برود. سپس شیخ صیحه ای کشید و خلق بسیاری در حال صیحه و گریه به اتفاق او برخاستند، در این هنگام گنجشکی آمد و بر عمامه او نشست، و او سر خود را خم کرد و در اختیار گنجشک قرار داد، تا مدت زمانی گذشت، مردم در اطرافش فریاد می کشیدند، و گنجشک همچنان در جای خود نشسته بود، تا اینکه یکی از یاران خواست او را بگیرد، که پرند پرواز کرد. همه اطرافیان به گریه افتادند، و دست دعا و انابه به درگاه حق برداشتند، سپس شیخ (قدس سره) از مجلس خارج شد در حالی که جمع کثیر همراهیش میکردند به مسجد رصافه رفتند، و فرمودند این آخر زمان است، خداوند از شر آن به توپناه می آوریم، از او می گریزم ولی به قضا و قدر نیز راضی هستیم.

هشیار باش که دینت را فدای دنیا نکنی، آبرویت را محفوظ دار، کارکن و کسب نما تا پیریشان نباشی، با وجود خدا خود را از خلق بی نیاز بدان.

ابراهیم خواص (رحمة الله علیه) گفت: «مدق زمانی در بیابان زندگی کردم، و با کسی ملاقات نداشتم، روزی به مکانی گذر کردم، جوانی را دیدم که ایستاده است، بدو گفتم از کجا می آئی؟ گفت، هو، گفتم به کجایم روی؟ گفت، هو، بدو گفتم اگر با هو صادقی خود را فدای هو نما، دردم صیحه ای کشید و افتاد و جان داد، من در صدد آن بر آمدم تا قبر برایش آماده کنم و او را دفن نمایم، اندکی از او دور شدم، وقتی برگشتم او را ندیدم، هاتفی در گوشم آواز داد: این راملک الموت جويا شدندیدش، بهشت او را خواست نیافتش، آتش در خواستش کرد، پیدانکرد، گفتم پس اکنون کجاست؟ جواب داد: «**فِي جَنَاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ**»- (در بوستانها و چشمه ساران در جایگاه صداقت به نزدیک خداوند توانا بسوره قمر آیه ۵۵).

ای بلهوس، از درهای واقعی بخانه درآی، از در فنا، فنادر ذات حق باطاعت و عبادات. جلیس و همنشین مقام قرب شو، بر خوان نعمت حق مهمان باش از نعم بی زوال او بهره گیر، به اسرار آسمانها و زمین و شناخت ذات او بپرداز. تودر پشت دیواری هستی به ضخامت یک فرسخ، و میخواهی با سوزنی که در دست داری برای خود راه عبوری ایجاد کنی، این

ممکن نیست. اما اولیاء الله هرگاه به پشت این دیوار میرسند، هزاران دربرویشان گشوده میگردد، از هربابی به داخل دعوت میشوند.

نعمت رابگیر و شکر منعم را بجای آر، به نعمت بنگر و وقت کن که آیا این عطای خداست یا وسیله قهر و نعمت؟ به ظاهر فریفته مشو، منعم را فراموش مکن، به چپ و راست منگر، چشم از منعم و امگیر، و از دست (عجوز) دنیا چیزی مستان، چه ممکن است مسموم باشد. هرگاه به طعامی دست یافتی، به وزیر و مشاور خود که همانا کتاب و سنت است مراجعه کن، اگر ترا بر اکل آن فتوا دادند، بخور، و اگر منع نمودند، خودداری نما و شتاب مکن، هرگاه بانفس مخالفت و مجاهدت کردی، اونیز باقلب هماهنگ خواهد شد، و مورد خطاب، «**يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ**» واقع میشود، و (صلاحیت) ملهم شدن از قلب رامی یابد، و قلب نیز از سر و باطن و باطن از حق عزوجل آگاه میشود.

و شیخ (رحمة الله علیه) در این حال گفت: **خدایا مادر طلب تو هستیم و دوستدار تو، مارا خوار مگردان.**

و باز فرمودند: اشتغال به غیر خداهو و لعب است و گناه، و از دایره قرخارج شدن. از اولیاء الله کسانی هستند که فرشتگان را مشاهده کرده اند، یکی از ایشان در مسجدی واقع در شام نشسته بود، در حال گرسنگی پیش خود میگفت، ای کاش اسم اعظم امیدانستم، ناگهان دید که دوفنر نزدش نشسته اند، یکی از آنها به دیگری گفت: آیا میخواهی ترا اسم اعظم تعلیم کنم؟ جواب داد، بلی گفت، بگو «الله» آنشخص پیش خود گفت، من که این را میگویم، بازیکی از آندو نفر گفت، مقصود ما از اسم اعظم، الله ظاهر نیست، بلکه وقتی باگفتن الله اسم اعظم رایاد کرده ای که در قلبت جز الله چیزی دیگری نباشد، سپس هر دو به آسمان عروج کردند.

ظاهرت راباخلق بدار و باطنت راباخالق، در پیشگاه حق فارغ از دنیا و مافیها، مقیم شو، به بیابانها و دشتها رو، و ایمان واقعی را در خلوت و تنهایی بدست آر.

(عید) صالح خود و عیال و اولادش رابخدا و اگذار میکند، اما فاجر عیال و اولادش را به درهم و دنیارش می سپارد، لذا عاقبتش به نیاز و تنگدستی می انجامد، تو نیز اگر چنین باشی بدان که قلبت از گوساله حب دنیا بهره گرفته و مورد قهر خدامیاشی.

بار خدایا، در دنیا و قیامت مارا یار و معین باش، دنیا رابجهت تقویت دین نصیبمان گردان، و آخرت رابجهت لقاء خود، بار خدایا، از آنچه که رنگ ریا دارد بدورمان دار، آمین.

هرگاه صالحی به نزد من بیاید، بدو میگویم، اگر فرداترا مکانتی بود ما را با خوددار و مانیز اگر مقامی داشتیم باتو همراهیم. گفتارم راباخلوص نیت بپذیر تا رستگاشوی و من نیز بخاطر صدق کلامم رستگار گردم.

خلق سه گونه اند: فرشته، شیطان و انس، فرشته خیرکلی است، و شیطان شر مطلق، و انس مخلوطی از هر دو، یعنی هم استعداد خیر و هم شر در وجود انسان وجود دارد، هرگاه خیر در وجود عبد بر شرش غلبه داشت، ملحق به فرشته است، و اگر شر بر خیر غالب بود، ملحق به شیطان است.

(یا قوم) اسلام در حال گریه است، دستها رابعلامت فریاد رسی و دادخواهی از دست این فاسقان و فاجران بلند کرده است، از این بدعت گذران و گمراه کنندگان بفریاد است، از این ستمگرانی که لباس دروغ بتن کرده و ادعای دین دارند، درخروش می باشد.

سگ صاحبش را در شکار، و در حفظ و حراست خانه کمک میکند، و به هنگام دیدار با صاحب خوددم می جنباند، تمام اینها را در مقابل لقمه ای انجام میدهد که به او میدهند، و تو علیرغم متنعم شدن از تمام نعم الهی، او را اطاعت نمی کنی، و حدود و اوامر و ناهیش را مهمل گذاشته ای.

(یا غلام) یا غلام چیزی رابا فقر و صبر برابر مدان. با وجود خدا خود را از همه چیز بی نیاز بدان، چه بسا آنانکه توانگری ظاهری کسب میکنند، از خدایی خبر میشوند، و حیات فانی دنیا را بر خدا و آخرت ترجیح میدهند، ارضای شهوات

وخواستیهای نفسانی را از اوامر حق بالاتر میدانند، حرام را برحلال، افطار را برروزه، غفلت را بر بیداری، معصیت را بر توبه ترجیح میدهند.

وای بر تو! پنهانیهایت دارد آشکار میشود!! از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) بشنو که فرموده است: «لَنْ تَسْمَعُ بِرَجُلٍ خَيْرٍ مِنْ أَنْ تَأْتِيَهُ وَلَإِنْ تَأْتِيَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُخْبِرَهُ فَإِذَا خَبَرْتَهُ مَقَّتَهُ وَمَقَّتْ عَمَلُهُ». (ممکن است پیش از آنکه مردی رملاقات کره باشی از صفاتش چیزهایی بشنوی که پس از دیدارش بر تو معلوم شود که چنان نیست، و عکس آن شاید کسی دیدارش از اخبارش بهتر باشد). پس چنان باش تا بهتر از آن باشی که درباره ات خبر میدهند، نه آنچنان که خبرت از دیدارت بهتر باشد.

مومن در دنیا پادشاه و در آخرت معزز است، عملش اطاعت و فرمانبرداری خداوند است، و از معصیت بیزاری نمودن در ظاهر و باطن دنیا راپشت سر انداخته است.

ای فرزند، هرگاه خواستی به طعام و شرابت دست ببری، بگو نمیخورم تا بر ایم معلوم شود که به سم علائق دنیوی مسموم نشده است. (میگوید: ای نفس آنرا از دست بینداز، تا ناظر خرج آخرت برسد و صحتش را تائید نماید، آنگاه از آن استفاده کن، و درهای میان خود و دنیا را ببند).

آین آرامش و اطمینان که به غیر حاصل کرده ای چیست؟ برای تو چه سودی دارد؟ دست در دامن مردان حق زن، آنانیکه غرق شدگان دریای پرتلاطم دنیا را به ساحل نجات میرسانند، آنانیکه بیمار لذایذ دنیوی را درمان میکنند، کوشش کن تا ایشان را بیابی، و اگر نیافتی بر حال خود گریه کن.

قرب بر روی آنانی که به قضا راضیند میزند، دستشان رامیگیرد، و به باب قربشان هدایت میکند. پس با قدر مخالفت مکن و باخواست خدا موافق و مرافق باش.

یحیی بن معاذ (رحمة الله علیه) گفته است: «گفتار صدیقین جانشین کلام انبیاء است، سخنانشان از خداست و برای خدا». در قبرستان بنشین و از مردگان بپرس باشما چگونه برخورد کردند؟ به کجا رفتید؟ اهل و اولاد و خانه ها و امواتان چه شد؟ جوانی و توانتان چه شد آن امر ونهی ها که میکردید کجا رفت؟ اخذ و عطا و دوستی ها و ارضای شهوات چه شد؟ گویی اینچنین ترا جواب خواهند داد که: از آنچه که در پشت سر خود برجای گذاشته ایم پشیمانیم، و به آنچه که برای امروز تقدیم کرده ایم شادیم. تو نیز بدان که بزودی در ردیف مردگان خواهی بود، و گوردر حالیکه بدون یار و یاور در برت خواهد گرفت، پس هشیار باش و عاقل، و اندیشه آرزو را یاد مبر.

روزی جنازه ای به مجلس او (شیخ) آورده شد، خطاب به حاضران گفت: این رامی بینید که چگونه مرگ همه چیز را از یادش برده است، تاجائیکه دیگر احدی از نزدیکانش رانمی شناسد، همچنین هرگاه معرفت حق در دلی جای گرفت، چنان او را مدهوش میکند و از دنیا بدورش میدارد، که به جز ذات حق به چیزی نمی اندیشد.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار». آمین.

تمت بعون الله تبارک و تعالی.